

وحدت اسلامی و راه کارهای سیاسی - فرهنگی پیامبر اکرم (ص)

<?xml encoding="UTF-8">

«قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة انا و من اتبعني» (1)

ضرورت طرح مساله وحدت اسلامی

در بررسی تاریخ اسلام، سیره نبوی همواره از جمله موضوعات مهم و مورد مطالعه اندیشمندان مسلمان بوده است. تحلیل رویدادها و حوادث ویژه تاریخ اسلام و نیز بازشناسی کیفیت موضع گیری های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برابر رخ دادهای گوناگون زمان، همواره موضوع مطالعه تحلیل گران تاریخ اسلام بوده است. مساله «وحدت اسلامی» و نقش مؤثر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ایجاد و گسترش آن در همین راستا قابل توجه است. ضرورت طرح چنین موضوعی را از سه منظر می توان ارزیابی کرد:

الف - اهمیت سیره شناسی

مساله وحدت اسلامی و نقش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ایجاد آن در تحلیل و بررسی سیره نبوی از جمله موضوعات بسیار مهمی است که هر متفکر اسلامی در آغاز مطالعه با آن مواجه می شود.

بدون تردید، موضع گیری های پیامبر صلی الله علیه و آله در این مورد، در نقش مقام نبوت و رسالت، دارای ارزش ویژه ای برای مسلمانان خواهد بود؛ چرا که خداوند می فرماید: «لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة لمن كان يرجو الله واليوم الآخر وذكر الله كثيرا» (احزاب: 21) (2)

«اسوه» یعنی پیشوا، راهنما و نمونه و «تاسی» به معنای چیزی یا کسی را نمونه گرفتن است. (3) بنابراین، طبق مفاد این آیه کریمه، این روی دادها مانند تمامی وقایع تاریخی مرتبط با پیامبر صلی الله علیه و آله در بردارنده نحوه عملکرد، کیفیت تصمیم گیری و حیات دنیوی آن حضرت است و از این رو، دارای اهمیت بوده و به عنوان حجت و شاخص شناخته شده است. مسلمانان نیز موظف به تعقل و تفکر در ابعاد حیات حضرت رسول صلی الله علیه و آله شده اند. (4)

علامه طباطبائی(ره) می نویسد: «کلمه «اسوه» به معنای اقتدا و پیروی است ... اسوه در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله عبارت از پیروی اوست و اگر تعبیر به «لکم فی رسول الله» (شما در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله تاسی دارید) کرد، که استقرار و استمرار در گذشته را افاده می کند، برای این بود که اشاره کند شما همیشه باید به آن جناب تاسی کنید. و معنای آیه این است که به او تاسی کنید، هم در گفتارش و هم در رفتارش.» (5)

بنابراین، بررسی سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در تحقق وحدت اسلامی، به عنوان یکی از زیر مجموعه های بررسی سیره نبوی، ضرورت می یابد.

ب - ضرورت تبیین سیره سیاسی

نقش آفرینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسائل سیاسی جامعه، فلسفه یابی و پی جویی حکمت ها و اهداف آن ها، گویای سیره سیاسی نبوی است. از این زاویه، تدابیر نبوی در هدایت، ولایت و رهبری جامعه

اسلامی، مشخص کننده راهبردهای اداره سیاسی جامعه است و چون مساله «وحدت امت» موضوعی سیاسی است، تحلیل و بررسی نقش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز درباره آن، بهترین راه برای تبیین سیره سیاسی نبوی تلقی می گردد. تاثیر وحدت اسلامی در ساخت امت اسلام و ره آورد روشن آن برای آینده مسلمانان، نشان دهنده کارکرد سیاسی این موضوع است و بی شک، نظر به نقش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این مسیر، می تواند راهی فراوری تحلیل سیره سیاسی آن حضرت به روی ما بگشاید و مقدمه ای برای الگوگیری و نیز اطاعت از خواست و اراده نبوی باشد. «من يطع الرسول فقد اطاع الله ومن تولى فما ارسلناك عليهم حفيظا» (نساء: 80) (6)

ج - شناسایی سیره وحدت

سیره پیامبر صلی الله علیه و آله در ایجاد امت واحد، می تواند مبین و مفسر اصول و معیارهایی برای وضعیت کنونی جهان اسلام باشد. بدین ترتیب، مساله وحدت اسلامی نه تنها در مجموعه مباحث سیره نبوی یا سیره سیاسی، بلکه به عنوان موضوعی که اکنون مورد ابتلای جوامع اسلامی است، مورد توجه قرار می گیرد. از این رو، با نظری به تاریخ اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، استخراج و استنباط دستورالعمل های لازم برای به کارگیری در زمان معاصر ممکن خواهد شد. «يا ايها النبي انا ارسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا» (7)

مفاهیم و واژه ها

الف - وحدت امت اسلامی

سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ایجاد وحدت امت، از زوایای گوناگونی قابل بررسی است. بازشناسی این عنوان راهی برای دست یابی به آن ابعاد خواهد بود.

«وحدت امت اسلامی» به معنای تحقق وحدت اسلامی در مجموعه کلی امت اسلام و به صورت کلان، در سرتاسر جهان است، به گونه ای که در نهایت، نوید تشکل امت واحد اسلامی به گوش رسد. «وان هذه امتكم امة واحدة وانا ربكم فاتقون» (مؤمنون: 52) (8)

با دقت در این مفهوم، روشن می شود که وحدت امت اسلامی قابل تجزیه و تحلیل به مفاهیم دیگری نیز هست:

اولا، تحقق وحدت امت، نشان از یک آرمان واحد و مطلوب دینی دارد؛ یعنی «امت واحد اسلامی». ثانيا، وحدت امت اسلامی، هدف و آرمانی نهایی برای وضعیت موجود و کنونی مسلمانان است. قطعا تحقق وحدت امت بدون نظر به شرایط کنونی ملت های مسلمان ممکن نیست؛ زیرا امت اسلامی، همان مجموعه جوامع اسلامی باحفظ خصوصیت ویژه وحدت اسلامی می باشد.

ثالثا، از مفهوم «وحدت امت اسلامی» می توان مفهوم دیگری نیز اخذ کرد و آن واژه «وحدت اسلامی» است. چنان که وحدت امت را به عنوان حلقه وصل و محور زیربنایی امت واحده جهانی (در قلمرو حکومت الهی جهانی) در نظر آوریم، محتاج راه حل ها و راه بردهایی برای تغییر وضعیت موجود به سمت کمال مطلوب (وحدت امت) هستیم و این جزم همان «وحدت اسلامی» نخواهد بود.

بدین سان، ضرورت تفکیک و تعریف سه مفهوم بنیادین به منظور بررسی سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (در موضوع بحث) روشن می شود؛ یعنی جامعه اسلامی، امت واحد اسلامی و وحدت اسلامی.

(بحث تفصیلی در این باره ما را از مقصد این مقاله خارج می سازد. بنابراین، تنها مروری اجمالی و گذرا به هر یک

از این واژه ها خواهیم داشت).

ب - جامعه اسلامی

جامعه اسلامی مجموعه متشکل از مردم مسلمان در یک قلمرو حکومتی و مرز خاص جغرافیایی است که دارای اعتقادات و آرمان های دینی باشند. در واقع، می توان جامعه اسلامی را تحقق نظام الهی در یک قلمرو خاص دانست، همان گونه که حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید: «... و من ذریتنا امة مسلمة لك ..» (بقره: 128) (9)

وقتی سخن از «نظام» به میان می آید، مجموعه ای مرکب از افراد، ارکان و روابط اجتماعی خاصی مورد نظر است که بر اساس یک مبنای وحدت بخش، هدف و جهت خاصی را می پیمایند. بدین ترتیب، مفهوم جامعه با ویژگی «نظام مند بودن» در برابر مفهوم فرد، قرار می گیرد. بنابراین، جامعه را نمی توان جمع عددی افراد و تنها یک تجمع صرف از انسان ها دانست؛ آن گونه که برخی واژه «جامعه» را در استعمال متداول خود مخصوص تجمع افراد انسانی در یک جا دانسته و چنین گفته اند: «مهم ترین پیوند و مبنای این گروه و معنای اساسی این ارتباطات، جمع بودن آنها در یک جاست» (10) برخی نیز گفته اند: «جامعه منشا ملیت را تجمع - یعنی، از هم زیستی با هم زیستن - گرفته است...» (11)

بنابراین، هر جامعه ای دارای نظام اجتماعی خاص است که ساختارهای اجتماعی را بر محور آن شکل می دهد. شبیه این کلام را با تفاوت هایی پنهان، (12) در کتاب نقد دینداری و مدرنیسم می خوانیم: «جامعه یک تجمع صرف از انسان ها نیست، بلکه دو خصوصیت مهم جامعه را همراهی می کند: اول، جامعه دارای یک ساختار (نظم) اجتماعی است (Social Order) دوم، نظم اجتماعی جامعه می تواند منشا صدور فعل اجتماعی (دسته جمعی) باشد. (13) با این همه، آنچه روابط انسان را با انسان ها از سایر روابط بشری با موجودات دیگر متمایز می سازد، شاخصه «حب» و فرآیند «تولی انسانی» است: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عندالله اتقاکم ان الله علیم خبیر.» (14)

بدین ترتیب، تمایلات و گرایش های انسانی زمینه تعامل اجتماعی را به وجود می آورد و این خود منشا صدور فعل اجتماعی است. از این رهیافت به «نظام ولایت اجتماعی» تعبیر می شود. پس تردیدی نیست که نظم اجتماعی جامعه، منشا صدور فعل اجتماعی نیز خواهد بود؛ یعنی، مفهوم نظام با مفهوم ولایت اجتماعی هم سو می گردد و آشکار است که قید «الهی» صبغه دینی و رویکرد ارزشی تعلقات جامعه اسلامی را نشان می دهد. البته بحث از «حب» در دین و نقش «تولی انسانی» در جامعه، موضوعی دامنه دار است، ولی اجمالا می توان گفت: بر اساس آیات الهی، «محبت»، یکی از شاخص های مهم تمایز انسانی به شمار می آید. محبت در اوج تعالی خود تنها به ذات احدیت تعلق می گیرد؛ زیرا انسان حقیقتی ماورای تعلق و کشش به خدا ندارد: «انا لله وانا الیه راجعون» (15) از همین روست که می فرماید: «الا بذکر الله تطمئن القلوب» (16) پس محبت، مبدا اتصال و حرکت تکاملی انسان به سوی خداست. همچنین محبت مایه تشکیل نظام اجتماعی هست: «ومن آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها وجعل بینکم مودة ورحمة»؛ (17) بر این اساس، ملاک تجمع خانوادگی و حتی تجمع بزرگ انسانی (جامعه)، بر محور محبت و مودت است. (18)

در حدیثی زیبا از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره جامعه مؤمنان، همین کلیت با قید آثار ایمان مطرح شده است: «مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم و تعاطفهم کمثل جسد واحد.» (19) در نهج البلاغه می خوانیم: «ایها الناس، انما یجمع الناس الرضا والسخط وانما عقد ناقة ثمود رجل واحد فعمهم

الله بالعذاب لماعموه بالرضا. فقال سبحانه: ففعدوها فاصبحوا نادمين ...» ای مردم، محور اجتماع آدمیان خشنودی و خشم است. آری، تنها یک نفر بود که ناقه ثمود را پی کرد، اما چون تمامی قوم ثمود به کار او رضا دادند، خداوند همه ایشان راسزاوار عذاب ساخت. و این سخن خدای سبحان است که «پس آن ناقه را پی کردند و همگی پشیمان شدند.» (20)

نکته ای که باید درباره تعریف جامعه اسلامی افزود این که در این دیدگاه، بین «جامعه دینی» و «جامعه اسلامی» تفاوت است. در واقع، جامعه دینی، جامعه آرمانی دین است که تعریف آن نیز ناظر به بیان ویژگی ها و مطلوبیت های نهایی دین خواهد بود، (21) در حالی که جامعه اسلامی، تحقق آموزه های جامعه آرمانی در وضعیت موجود جوامع مسلمان است که به سبب اعتقاد امت یا سازگاری نسبی نظام های اجتماعی با اهداف دینی، عنوان «اسلامی» به خود گرفته است. این که در فرهنگ لغات «جماعة» را به «گروه مردم» معنا می کنند نیز شاهی بر این مدعاست. (22)

بعضی نیز مفهوم «جامعه اسلامی» را با واژه «امت» در فرهنگ سیاسی اسلام یکسان قلمداد کرده و گفته اند: «امت (جامعه اسلامی) عبارت از جامعه منظم و هماهنگی است که افراد آن دارای هدف و مقصد مشترک باشند ... بنابراین، در امت هیچ مرز و مبنایی به جز عقیده و ایمان، که اساس هدف و راه مشترک افراد آن جامعه است، وجود ندارد.» (23) اما با قوت بیش تر باید این دو واژه را از یکدیگر تفکیک کرد. (24)

ج - امت واحد اسلامی

مفهوم «امت واحد اسلامی» نیز با توضیحاتی که گذشت، روشن می شود. در واقع، می توان امت واحد اسلامی را مجموعه متشکل از جوامع اسلامی در سطح جهانی دانست که دارای ویژگی عینیت یابی وحدت امم مسلمان است. در این صورت، امت واحد، جریان و تحقق نظام مند وحدت امت اسلامی در جوامع جهانی خواهد بود. امت واحد اسلامی، تسری همان هویت حقیقی جامعه اسلامی در شعاع گسترده و جهان شمول است؛ یعنی، تحقق و وجود نظام ولایت اجتماعی الهی در سطح جهانی با حفظ ویژگی ها و ساز و کارهای خاص خودش: «ان هذه امتکم امة واحدة وانا ربکم فاعبدون.» (انبیاء: 92) (25)

همان گونه که گفته شد و این کریمه نیز به خوبی نشان می دهد، تعبیر «امة واحدة» حکایت از آن دارد که جامعه اسلامی (و جوامع) در مسیر تحقق وحدت، باید به جایی برسد که یک امت واحد اسلامی تشکیل دهد. (26) و اصولاً این آرمان بلند در متن هدف خلقت انسان نهاده شده است: «ولو شاء ربک لجعل الناس امة واحدة ولا یزالون مختلفین الا من رحم ربک ولذلك خلقهم» (27)

توضیح این که «ذلک (در این آیه) اشاره دارد به امت واحد بودن؛ یعنی، این آرمان که همه مردم پیرو ملت واحد می باشند و خداوند مردم را برای این آرمان والا آفریده است. (28)

حضرت امام خمینی(ره) می فرمود: «اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، از عرب و عجم و ترک و فارس، با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند.» (29)

این بعد آرمان خواهی (امت واحد بودن) در کلام شیوای مثنوی نیز تحت عنوان «نفس واحد بودن مؤمنان» مطرح می شود که خود، گویای جامعه آرمانی دینی است:

«مؤمنان معدود لیک ایمان یکی جسمشان معدود لیکن جان یکی چون نماد خانه ها را قاعده مؤمنان مانند نفس واحد چون از ایشان مجتمع بینی دو یار هم یکی باشند و هم ششصد هزار تفرقه در روح حیوانی بود نفس واحد روح انسانی بود» (30)

نکته دیگری که قابل ذکر است این که واژه «امت» در لغت، به «ملت» و «گروه وابسته» معنا شده (با جمع امم) و در اصطلاح متکلمان، به پیروان پیامبران صلی الله علیه و آله مانند امت محمدی و امت مسیح اطلاق می گردد. (31) در قرآن نیز به معانی گروه و جماعت (قصص: 23)، روش و طریقت و گروه هم کیش و متحد (بقره: 213)، مقتدا و پیشوا و اسوه (بقره: 143) و اجل و مدت (هود: 8) آمده است.

در روایتی، ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره آیه «ان هذه امتکم امة واحدة» سؤال می کند: من امته؟ آن حضرت پاسخ می فرماید: «امت وی مؤمنان هستند که آنچه از سوی پروردگار خویش آورده، به جان می پذیرند و همراه دو امانت گران مایه او (ثقلین) که به دستور خدا باید همراه آن ها پیش بروند، ره می پویند.» (32)

د - وحدت اسلامی

وحدت اسلامی نیز به کارگیری ابزار تحقق امت واحد به عنوان یک آرمان نهایی، در سطح جوامع اسلامی و جهان اسلام خواهد بود: «واعتصموا بالله هو مولیکم فنعم المولی ونعم النصیر» (حج: 78) (23)

بنابراین، بار مفهومی وحدت اسلامی، در روش و ابزارمندی آن است و از این جهت، شامل تمامی تصمیمات، سیاست گذاری ها و تدابیری می شود که پیامد آن ها سبب تحقق وحدت امت اسلامی و در راستای تبدیل جوامع اسلامی به امت واحد الهی است. از این رو، خداوند می فرماید: «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا» (34)

به بیان استاد شیخ محمد غزالی، دین امر به زدودن شقاق و نزاع می کند و به وحدت و همبستگی دعوت می نماید، چه این که خداوند می فرماید: «واعتصموا بحبل الله...» و نیز می فرماید: «ولا تنازعوا فتعزلوا...» (35) اکنون با مروری بر واژه هاو مفاهیم مزبور، نکاتی آشکار می شود:

اولا، تفکیک مفهومی این عناوین، بررسی سیره پیامبر صلی الله علیه و آله را در ایجاد وحدت امت، دقیق تر و روشن تر خواهد ساخت. تحلیل یک موضوع عام، به موضوعات و مسائل خرد بهترین راه برای نظام بخشیدن به پرسش های مطرح شده در مساله مورد بررسی و پاسخ بدان هاست.

ثانیا، با دقت در مفاهیم مزبور، در می یابیم که هر یک از این مفاهیم تداعی کننده یک مفهوم بنیادین و جوهری هستند. در حقیقت، این سه واژه دارای سه نهادگاه اصلی اند که با تهی شدن از آن هسته اصلی، تعاریف، نه تنها از درون متلاشی می شوند، بلکه از بیرون نیز انسجام منطقی شان گسسته خواهد شد.

در تعریف «جامعه اسلامی»، به وضعیت موجود و شرایط اجتماعی خاص زمانی و مکانی نظر بود. «امت واحده» بر وضعیت مطلوب، آرمان خواهی و مطلوبیت طلبی تاکید داشت و بالاخره، «وحدت اسلامی» نوعی ابزار و عامل تغییر وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب تلقی گردید؛ یعنی، محور قرارگرفتن ابزارمندی و به کار بستن راه حل ها و چاره جویی ها.

تبیین این خاستگاه ها ما را در تعیین نقش ویژه و منحصر به فرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هریک از این موضوعات، یاری خواهد داد. درباره جوهره اصلی واژه های «امت واحده» و «وحدت دینی» نیز نکاتی قابل ذکر است:

واژه «امت» در قرآن کریم قریب 51 بار با معانی گوناگون به کار رفته و در قالب های لفظی: «امة»، «امة واحدة» «امة مقتصدة»، «امة وسط»، «امة مسلمة» و مانند آن آمده است. ولی چنانچه در کاربردهای استعمال «امة واحدة» دقت کنیم، شاید بتوانیم چنین برداشت کنیم که گویا در این مورد، قرآن از نوعی مطلوبیت گرایی و آرمان خواهی سخن می گوید و در این دیدگاه، انسان ها باید به وحدت در فطرت توحیدی و ناب خود باز گردند تا آرمان

امت واحد برای بشریت محقق گردد. (36) به عنوان نمونه، خداوند می فرماید:

«كان الناس امة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين وانزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه» (37)

«وما كان الناس الا امة واحدة فاختلفوا» (يونس: 19) (38)

«لكل جعلنا منكم شرعة ومنهاجا ولو شاء الله لجعلكم امة واحدة ولكن ليلوكم في ما اتاكم فاستبقوا الخيرات الى الله مرجعكم جميعا» (مائده: 48) (39)

آیات 93 نحل، 52 مؤمنون، 92 انبیاء، 8 شوری، 33 زخرف و 118 هود نیز در این زمینه جالب توجه است. آیات وحدت کلمه در قرآن کریم ظاهرا وحدت دینی و اسلامی را به عنوان یک راه و ابزار برای تحقق مقاصد دینی و الهی تلقی می کنند و از این رو، اعتصام به حبل الهی را مقدمه نجات جامعه از هلاکت و نیز سعادت و هدایت جامعه اسلامی می دانند: «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا واذكروا نعمت الله عليكم اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخوانا وكنتم على شفا حفرة من النار فانقذكم منها كذلك يبين الله لكم آياته لعلكم تهتدون» (آل عمران: 103) (40)

همچنین تفرقه و اختلاف در دین را با اقامه دین حق و آیین توحیدی منافی دانسته و می فرماید: «شرع لكم من الدين ما وصى به نوحا والذي اوحينا اليك وما وصينا به ابراهيم وموسى وعيسى ان اقيموا الدين ولا تفرقوا فيه» (شوری: 13) (41)

همچنین با مذمت از تفرقه و اختلاف بین مسلمانان (عدم به کارگیری وحدت اسلامی)، آن را مانند ملل پیشین قلمداد نموده که پس از هدایت الهی، باز به سمت اختلاف تمایل یافتند و سزاوار عذاب عظیم شدند: «ولا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جائتهم البينات واولئك لهم عذاب عظيم» (آل عمران: 105) (42)

ثالثا، مشخص است که حرکات اصلاحی مصلحان تاریخ در جامعه خود نیز بر محور موضوعات سه گانه مذکور دور می زند؛ یعنی، ایجاد تغییر و تحول در ظرفیت کنونی جامعه، ترسیم آرمان ها و مطلوبیت های مصلحانه خود و نیز به کارگیری عوامل و معادلات اصلاحی برای تحرک جامعه آسیب دیده به سمت جامعه آرمانی بهینه. اصلاح و بازپروری جوامع توسط مصلحان، همواره بسته به سه عامل اساسی بوده است: نخست ایجاد انقلاب اصلاحی - یعنی تغییر و تحول ساخت سیاسی موجود - سپس ارائه و ترسیم ارزش ها و قوانین مصلحانه و آنگاه به کارستن برنامه شایسته.

انبیای الهی و به خصوص پیامبر اکرم اسلام صلی الله علیه و آله که در صف اول مصلحان عالم و تاریخ بشریت قرار دارند، این سه عامل را به بهترین وجه معقول و در نهایت توانمندی فوق بشری خود و در محدوده پذیرش زمانه، به کار بسته اند: «لقد ارسلنا رسلنا بالبينات وانزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه باس شديد و منافع للناس و ليعلم الله من ينصره و رسله بالغيب ان الله قوى عزيز» (نساء: 159) (43)

رابعا، تحقق سعادت جوامع و اصلاح طلبی درباره آن ها به فرآیند مجموعه به کارگیری عوامل سه گانه باز می گردد و از این جهت، بررسی نقش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسیر پایه گذاری امت واحد نیز نمی تواند بدون کاوش در این راه ها کامل باشد. قطعا بالندگی جامعه اسلامی و هدایت آن به سوی امت واحد الهی، بستگی به تدبیری نظام یافته در سه ساختار سیاسی، فرهنگی و ارزشی جامعه دارد. (44) از این رو، با بررسی و تحلیل کیفیت عمل کرد پیامبر عزیز صلی الله علیه و آله در این مقوله ها، می توان گام مهمی در نمایاندن سیره

سیاسی آن حضرت درباره مساله «وحدت دینی» برداشت.

خامسا، بر این نکته تاکید می‌ورزیم که تصمیمات و سیاست گذاری های برگزیده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه تنها در محیط درونی جامعه اسلامی آن زمان، بلکه به دلیل «ولایت تاریخی» آن حضرت، دارای آثار و پیامدهایی پایدار در طول تاریخ نیز بوده است: «وما ارسلناک الا رحمة للعالمین قل انما یوحی الی انما الهکم اله واحد فهل انتم مسلمون» (46)

و از همین رو، نباید نقش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را منحصر در یک فضای خاص زمانی دانست: «یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا» (اعراف: 158) (47) البته این مساله عاملی برای الگوگیری مسلمانان در تمام دوره های بشری نیز می باشد که: «وما ارسلناک الا کافة للناس بشیرا ونذیرا» (سبا: 28) (48) بدین ترتیب، دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دعوتی عمومی و جهانی است که تقید به زمان، خاص و یا مکان ویژه ای ندارد: «ان هو الا ذکر للعالمین» (بقره: 213) (49) بنابراین، راه کارهای انتخابی آن حضرت باید به عنوان یک «نماد الهی» مورد توجه قرار گیرد.

نقش ها و کارکردها

با توجه به تفکیک واژه ها و مفاهیم مزبور، نقش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در ایجاد وحدت امت، در سه محور قابل تحلیل است: نخست راه بردهای سیاسی و حکومتی، سپس راه بردهای فرهنگی و عقیدتی و در نهایت، راه بردهای ارزشی و اجتماعی. آنچه در این مقاله مورد بحث قرار می گیرد، تنها محورهای اول و دوم خواهد بود.

الف - راه بردهای سیاسی و حکومتی

راه کارهای دعوت سیاسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جامعه اسلامی زمان خود را می توان از بارزترین نقش های آن حضرت برای ایجاد وحدت امت دانست که به معنای ایجاد تحرک و دگرگونی در جامعه آن زمان به سمت ایجاد وحدت امت (به عنوان یک آرمان مشترک) است. تمام مسائلی که در این بخش مورد ملاحظه قرار می گیرند، به نوعی از موضع گیری ها و کارکردهای سیاسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بآاهداف پالایش و آماده سازی وضعیت بالفعل و شرایط خاص جامعه اسلامی شمرده می شوند.

پیش از این نیز یادآور شدیم که این نوع تلاش ها شامل سیاست هایی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بستر جامعه آن زمان (پیش یا پس از هجرت) به جهت دست یابی به امت واحد اتخاذ کرده اند؛ تدابیری که نزد قرآن مجید در راستای اهداف بزرگ انبیا: تلقی می شوند؛ چه این که فرمود: «کان الناس امة واحدة فبعث الله النبیین مبشرین ومنذرین وانزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه» (بقره: 213) (50) برخی از این روش ها و الگوهای سیاسی عبارتند از:

مبارزه و انقلاب سیاسی: جلوگیری از تشتت و پراکندگی جامعه آن روز و در مقابل، ایجاد نوعی وحدت سیاسی، راهی برای تحقق «جامعه اسلامی» است تا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طریق آن، امکان اعتلای ندای «وحدت امت اسلام» را به دست آورد. در واقع، این سیاست گذاری را باید اولین قدم در مسیر تحقق امت واحد دانست. بدون پیاده کردن الگوی امت در سطح یک جامعه مدنی خاص، نه داعیه وحدت بخش امم قابل پذیرش است، نه چنین چیزی امکان عینی و عملی می یابد.

وضعیت سیاسی عربستان پیش از اسلام نشان می دهد که هیچ گونه حاکمیت سیاسی واحد و منسجمی بر آن حکم فرما نبوده و تنها قبایل متعدد با حالت ملوک الطوائفی، به صورتی مجزای از یکدیگر وجود داشته اند. پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله در نخستین حرکت ها، دست به یک انقلاب سیاسی برای مبارزه با وضعیت جامعه متفرق آن زمان و ایجاد یک وحدت سیاسی زدند.

مبارزه و جنبش سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل جلوگیری از گسستگی سیاسی حاکم بر زندگی اعراب جاهلی و تلاش برای ایجاد پیوند سیاسی جدید، شاهی گویا بر راه کار وحدت دینی است. جامعه جاهلی به دلیل فقدان هرگونه قوانین حکومتی و ضوابط سیاسی، دچار آشفتگی و ویرانگری شده و وجود آزادی های مفرط و نیز سنت های ناروای اجدادی سرآمدی برای تشدید آن بوده است.

در یکی از مدارک تاریخی این دوره، از زبان جعفر بن ابی طالب (در برابر پادشاه حبشه)، وضعیت سیاسی جامعه آن زمان و اهمیت دعوت و مبارزه سیاسی آن حضرت، به خوبی قابل فهم است: «پادشاهها، ما مردمی بودیم که در دوران جاهلیت، بت ها را پرستش می کردیم، مردار می خوردیم، کارهای زشت انجام می دادیم، قطع رحم می کردیم، با همسایگان و هم پیمانان خود بدرفتاری داشتیم، نیرومند ما ناتوان ما را می خورد، وضع ما همین بود تا خدا پیامبری از خودمان که راستی، امانت و پاکدامنی او را می شناسیم به سوی ما فرستاد. او ما را به سوی خدا دعوت کرد تا او را به یگانگی بشناسیم و پرستش کنیم...» (51)

تشکیل نظام حکومتی: تلاش سیاسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها در یک مبارزه منفی برای جلوگیری از تفرق سیاسی حاکم منحصر نمی گردد، بلکه تثبیت شرایط اجتماعی و وحدت بخشی به آن به صورت نظام مند و البته در چارچوب یک نظام حکومتی را نیز به دنبال دارد. پی ریزی یک نظام واحد سیاسی مهم ترین عامل در ایجاد وحدت اسلامی خواهد بود. علاوه بر این، زمینه ای برای تشکیل امت واحد است؛ زیرا بدون داشتن حکومت دینی و دایت سیاسی جامعه توسط رهبری واحد، جامعه اسلامی (اصولا) وجود ندارد و بدون آن نیز، سخن از جوامع مسلمان در سرتاسر عالم و زمینه سازی فکری و عینی وحدت امت اسلام بی معناست: «ونريد ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثين» (52)

دوران ده ساله حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه یعنی مجموعه تلاش های سال های پس از هجرت را می توان به عنوان شاهی بر این مساله عنوان کرد. تصمیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر ایجاد یک حاکمیت الهی در جامعه عربستان آن زمان از امور قطعی تاریخ اسلام شمرده می شود. جدای از استدلال های کلامی و عقیدتی (در توجه به ویژگی های مکتب و جامعیت دین اسلام و مساله تامین نیازهای فردی و اجتماعی انسان) قراین فراوان تاریخی پیش روی ما قرار دارد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بارها و به زبان های گوناگون می فرمودند: «الجماعة رحمة والفرقة عذاب» (53)، «به حکم اسلام، باید مردم از بربریت (صحرانشینی) دست بردارند و به سوی اجتماع و سواد اعظم روی آورند. دیرنشینی و رهبانیت در اسلام نیست و دست خدا همراه با جماعت است.» از این احادیث اهتمام رسول الله صلی الله علیه و آله به تمدن و زندگی اجتماعی مسلمانان معلوم می شود. (54)

همچنین در اصول کافی می خوانیم: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ثلاث لا یغل علیهن قلب مسلم: اخلاص العمل لله والنصيحة لائمة المسلمين واللزم لجماعتهم، فان دعوتهم محیطة من ورائهم، المسلمون اخوة...» (55)

از سوی دیگر، سعی پیامبر صلی الله علیه و آله در حذف انگیزه های عشیره ای و قبیله ای امت عرب در حضور اجتماعی آنان و نیز جایگزینی علایق و تمایلات اصیل و مذهبی، راهی برای تشکیل یک نظم واحد سیاسی با حاکمیت قانون الهی است: «انما ولیکم الله ورسوله والذین امنوا» (مائده: 55) (56)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از آغاز مبارزه سیاسی در محیط متشنج و ناهمگون مردم جاهلی، به دنبال ایجاد یک محور واحد و کوشش برای جلب انگیزه های اجتماعی مردم آن روزگار بود: «ان الحكم الا لله یقصر الحق وهو خیر الفاصلین» (انعام: 57) (57)

البته، تاکید بر این که تنها قانون حاکم باید از سوی خدای متعال و رسول معظم او باشد، در همین راستا قابل تفسیر است: «ما کان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضی الله ورسوله امرا ان یکون لهم الخیرة من امرهم ومن یعص الله ورسوله فقد ضلّ ضلّالا مبینا» (احزاب: 36)

از شواهد دیگر تشکیل حکومت سیاسی، اجمالا می توان به این موارد اشاره کرد:

- دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هجرت تمامی مسلمانان از همه مناطق عربستان به مدینه، با هدف گردآوری یک تجمع واحد و تاسیس حاکمیت سیاسی بود. (59) همچنین تاکید قرآن و رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر اهمیت هجرت در آن مقطع خاص زمانی را نباید از نظر دور داشت: «ان الذین آمنوا وهاجروا وجاهدوا باموالهم وانفسهم فی سبیل الله والذین آووا ونصروا اولئک بعضهم اولیاء بعض والذین آمنوا ولم یهاجروا مالکم من ولایتهم من شیء حتی یهاجروا» (انفال: 72) (60) سپس با فاصله کوتاهی، می فرماید: «والذین آمنوا وهاجروا وجاهدوا فی سبیل الله والذین آووا ونصروا اولئک هم المؤمنون حقا لهم مغفرة ورزق کریم» (انفال: 74) (61)

- برگزیدن نمایندگان و کارگزاران سیاسی (حکومتی) در ماجرای بیعت عقبه که در متون تاریخی از آنان به «نقیب» تعبیر شده است. در همین زمینه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اخرجوا الی منکم اثنی عشر نقیبا لیکونوا علی قومهم بما فیهم» (62)

درباره پیمان عقبه، طبری در کتاب خود، تاریخ الرسل والملوک، نکته جالبی دارد که حکایت از نحوه برداشت مردم از حضور وحدت آفرین پیامبر صلی الله علیه و آله در جمع آنان می کند. او می گوید: «آن روز که شش تن پیامبر صلی الله علیه و آله را در نزدیکی عقبه دیدند و سخنان او را شنیدند، گفتند: امید است خدا تو را وسیلتی سازد تا مردم ما را با هم آشتی دهی و متحد سازی.» (63)

- تنظیم و اجرای عهدنامه ها و معاهدات بین گروه های مختلف در مدینه و نیز برقراری پیمان مؤاخاة بین مسلمانان (که از آن ها سخن خواهیم گفت).

- اجرای احکام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مانند اخذ زکات و مصرف آن، فرمان جهاد و دفاع از سرزمین اسلامی، بیعت با مردم در برقراری و تثبیت پیوند سیاسی مردم با رهبری، تنظیم صلح نامه ها و معاهدات با غیر مسلمانان و نیز تقسیم وظایف و تکالیف سیاسی و حکومتی بین افراد که حاکی از برقراری نظام اداری و تشکیلاتی بوده است.

حاکمیت اسلام: گسترش و توسعه وحدت سیاسی در عربستان را باید از جمله اهداف و سیاست گذاری های حکومتی پیامبر صلی الله علیه و آله تلقی کرد که زمینه ساز وحدت اسلامی بود. قلمرو نفوذ و حاکمیت دولت اسلامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از محدوده جغرافیایی مدینه فراتر رفت؛ نخست، محل شبه جزیره را دربر گرفت و سپس دامنه این حرکت (به خصوص در سال های پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله) تا مرزهای جغرافیایی خارج از عربستان نیز سرایت پیدا کرد: «ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عباد الصالحون» (انبیاء: 105) (64) و بی تردید، این حاکمیت - یعنی خلافت و وراثت (امت) عهدی - از سوی خدای حاکم مقتدر است: «وهوالذی جعلکم خلایف الارض ورفع بعضکم فوق بعض درجات لیبلوکم فی ما آتیکم»

بدین ترتیب، خط مشی سیاسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه تنها وحدت بخشی به یک جمعیت در محیط مساعد یثرب آن زمان بود، بلکه در سراسر سرزمین عربستان گسترش یافت و سپس تلاش در جهت دعوت توحیدی - سیاسی سایر ملت ها برای الحاق به جامعه اسلامی و در نهایت، تشکیل یک امت جهانی واحد بود؛ زیرا «ان الدین عندالله الاسلام» (آل عمران: 19) (66)

با مروری به دوران درخشان تاریخ اسلام، به خوبی می توان روی کرد وحدت سیاسی توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در ابعاد داخلی جزیره العرب و دامنه خارجی آن ملاحظه نمود. این هردو، از فرآیندهای بالندگی وحدت اسلامی در فضای یک سرزمین واحد و دیگر مناطق است.

با نزدیک شدن به سال های آخر حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سطره رسمی و فراگیر اسلام در عربستان آن زمان به اوج اقتدار و انسجام ملی خود می رسید. برخی از خطمشی ها و سیاست های اصولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در طول این ایام با انگیزه حاکمیت اسلام در عربستان صورت گرفته، عبارت است از:

- براندازی قدرت جمعی مشرکان و دشمنان ستیزه جوی اسلام و مسلمانان: «لتجدن اشد الناس عداوة للذين آمنوا اليهود والذين اشركوا» (مائده: 82) (67)

- اعلان برائت از مشرکان و ایجاد محدودیت برای آن ها و نیز فرمان تطهیر قاطع جامعه اسلامی از شرک و بت پرستی: «برائة من الله ورسوله الى الذين عاهدتم من المشركين» (توبه: 1) (68) و نیز فرمود: «واذان من الله ورسوله الى الناس يوم الحج الاكبر ان الله بري من المشركين ورسوله» (توبه: 3) (69)

- دستور ویران سازی مسجد ضرار برای حفظ وحدت سیاسی جامعه و جلوگیری از تفرقه و تشتت سیاسی که در پی آن، موجودیت نیروهای نفاق نیز دچار یک بحران اساسی و جدی شد. قرآن کریم به زیبایی تمام فرمود: «والذين اتخذوا مسجدا ضرارا وكفرا وتفريقا بين المؤمنين وارصادا لمن حارب الله ورسوله من قبل» (توبه: 107) (70)

چون پدید آمد که آن مسجد نبود خانه حیلت بد و دام جهود پس نبی فرمود کان را بر کنید مطرحه خاشاک و خاکستر کنید. (71)

از جمله ابعاد خارجی آن - یعنی، گسترش اسلام، رونق همبستگی سیاسی، دینی و قلمرو بیرونی - می توان به ارسال نامه های رسول الله صلی الله علیه و آله به ملوک و سلاطین آن زمان اشاره کرد: «قل يا اهل الكتاب تعالوا الى كلمة سواء بيننا وبينكم الا نعبد الا الله ولا نشرك به شيئا ولا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله» (آل عمران: 64) (72) دعوت از رؤسای دولت های مجاور مانند پادشاه بحرین، غسان، اردن، عمان، یمن، حبشه (نجاشی)، مقوقس در اسکندریه (مصر)، روم (قیصر) ایران (خسرپرویز) و دیگران که از اواخر سال ششم هجری به صورت یک دعوت عمومی و جهانی آغاز گردید، در راستای تثبیت وحدت جهان اسلام بود. (73) این رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دین حق او بود: «هو الذي ارسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون» (توبه: 33) (74)

در بین این نامه ها، مکتوبی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مقوقس، حاکم مسیحی مصر (اسکندریه) و نیز نامه ای که به قیصر، پادشاه روم، فرستاد قابل توجه است؛ زیرا در آن ها به وحدت مسیحیان با مسلمانان (در امر توحید) اشاره شده بود. (75)

- انگیزه پیامبر صلی الله علیه و آله در برپایی جنگ موته و جنگ تبوک را نیز می توان در همین راستا بیان نمود.

تدابیر دفاعی و جهادی: سیاست های دفاعی و جهادی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای حفظ و دفاع از وحدت سیاسی حاکم بر جامعه اسلامی و همچنین تحکیم پایه های آن، از جمله اموری است که راه را برای تحقق زمینه های وحدت امت اسلامی در بستر درونی عربستان و نیز مسلمانان مناطق دوردست فراهم می کرد: «واعدولهم ماستطعتم من قوة ومن رباط الخيل ترهبون به عدوالله وعدوكم وآخرين من دونهم لاتعلمونهم الله يعلمهم» (انفال: 60) (76)

موضع گیری های تهاجمی پیامبر صلی الله علیه و آله در درگیری با کاروان های اقتصادی کفار قریش، که یکی از آن ها منتهی به جنگ بدر گردید، علاوه بر این که با هدف ضربه اقتصادی به مشرکان و بازپس گیری اموال مهاجران پی ریزی می شد، در نوع خود، حرکتی سیاسی برای نگه داری، تداوم و توسعه وحدت سیاسی جامعه اسلامی نیز بود: «يا ايها النبي حرض المؤمنين على القتال» (انفال: 65). (77) البته هدف نهایی از قتال (جهاد) را نیز جهانی شدن دین خدایی برمی شمرد: «وقاتلوهم حتى لاتكون فتنة ويكون الدين كله لله» (انفال: 39) (87) نزاع لفظی مسلمانان در تقسیم غنائم جنگ بدر و عکس العمل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با الهام از دستور قرآن کریم مبنی بر اصلاح ذات البین نیز واقعه ای مهم و شاهدی بر حساسیت پیامبر صلی الله علیه و آله در حفظ هم دلی در صفوف جنگی است. در این باره، در بخش دیگری سخن خواهیم گفت. همچنین از جمله سیاست های تهاجمی - دفاعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می توان به حرکت نظامی برای مقابله با قبایل شورشی اطراف مرکز حکومت اسلامی و نیز در برابر بعضی از طوایف یهودیان مانند یهود بنی قریظه، ماجرای بنی قینقاع و یهودیان قلعه های خیبر، نیز سیاست های مشخصا دفاعی، شبیه آنچه در جنگ احد برای مقابله با حملات مشرکان و یا در غزه خندق (احزاب) در برابر عده ای از یهودیان بنی نضیر و یا حتی پس از فتح مکه در جریان حادثه حنین اتخاذ نمود اشاره کرد. دستور ویژه قرآن پس از واقعه احد مبنی بر عدم توبیخ برخی از مسلمانان برای ایجاد زمینه تحکیم و پیوند قلوب و پایه های اعتقادی و دینی، شاهد دیگری بر این مدعا است.

ب - راه بردهای فرهنگی و عقیدتی

راهبردهای فرهنگی و عقیدتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شامل همه تلاش های آن حضرت در ترسیم دورنمای مطلوب امت واحد اسلامی می شود. این ها موضع گیرها و تصمیماتی است که در ساختار فرهنگی جامعه واقع شده و محتوای دعوت فکری رسول خدا صلی الله علیه و آله را دربر می گیرد؛ مجموعه رهنمودهایی که افکار جامعه (اسلامی) را به سوی ترسیم یک امت واحد سوق داده و الگوی وحدت امت را در شکل مطلوب دینی خود برای آنها نمایان می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسیر تحقق امت جهانی اسلام نه تنها باید علایق سیاسی آحاد افراد را به یک تجمع و مرکز اقتدار هدایت کند، بلکه آن مقصد نهایی بدون آگاهی افکار، بصیرت عقلانی و جایگزینی یک آرمان سنجیده عقیدتی با سیاق جهانی و فراملی، هرگز عملی نبود و این فرمان خدای عزیز حکیم بود که: «رسلا مبشرين ومنذرين لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسل وکان الله عزیزا حکیما». (79)

در این جا، اجمالا به برخی از این موارد اشاره می گردد:

نهضت فرهنگی اسلام: مبارزه فرهنگی پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر جامعه جاهلی آن زمان از دوران حضور ده ساله در مکه مکرمه آغاز می شود. این انقلاب فرهنگی که به منظور مبارزه با اندیشه های شرک آلود و غیر توحیدی صورت می پذیرفت، زمینه ساز به وجودآمدن نوعی وحدت فرهنگی در محیط آن زمان شد و تشتت و تخالف اعتقادی جای خود را به پیدایش هویت واحد فکری داد.

قطعا ظهور چنین پیکره مشترکی به ترسیم درست امت واحد از جامعه اسلامی کمک مؤثری خواهد کرد و از همین زاویه، تدابیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ایجاد وحدت فرهنگی امت اسلام نیز روشن می شود. مبارزه فرهنگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این دوران، شامل برخورد فکری با عقاید مشرکان در محدوده مباحث جهان بینی و رویارویی و ضدیت با مظاهر شرک و بت پرستی و طرح عدم انتفاع و بی بهره مندی انسان از آن ها بوده است: «واتخذوا من دونه آلهة لا یخلقون شیئا وهم یخلقون ولا یملکون لانفسهم ضرا ولا نفعا ولا یملکون موتا ولا حیوة ولا نشورا» (فرقان: 3) (80)

فضای اعتقادی جامعه جاهلی آن زمان، حاکی از نوعی خلا فکری و فقدان تفکرهای منطقی و استدلالی حتی در نازل ترین سطح خود می باشد و نهضت فرهنگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای شکستن همین معتقدات ناهمگون و شرک آلود و البته زمینه ساز تفکر توحیدی بوده است. این بینش های ناروای جاهلی بعدها نیز از ناحیه دین (مکررا) مورد مذمت قرار می گرفت و اصولا پندارهای غلط جاهلی درباره خداوند، تمثیلی برای اندیشه های غیر حق است: «یظنون بالله غیر الحق ظن الجاهلیة» (آل عمران: 154) (81)

نکته قابل توجه این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با طرح گفتگوهای اعتقادی، برهان توحیدی خود را در افکار مردمان پرورنده و زمینه های درونی و فطری تفکر سالم انسان ها را بیدار و آن ها را به تحرک عقلانی بهینه وا می داشت. در این تعامل و برخورد فکری، در واقع، اقامه برهان و دلیل نیز نوعی دعوت به وحدت گرایی بود که از حوزه اندیشه و تفکر آغاز می شد؛ زیرا برهان حق همواره رو به سوی وحدت و الفت دارد، نه تشتت و تخالف (82): «یا ایها الناس قد جائکم برهان من ربکم وانزلنا الیکم نورا مبینا» (نساء: 174) (83)

آرمان توحیدگرایی و یکتاپرستی: در همین راستا، طرح توحید و وحدانیت الهی موضوعیت می یابد. تکیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر توحید و به ویژه اتصال رسالت اعتقادی خود با پایه های دین ابراهیمی، بهترین استفاده از ظرفیت اجتماعی آن زمان در ایجاد وحدت فکری و توجه دادن به دورنمای اعتقادی امت واحد است. قرآن فرمود: «قل اننی هدانی ربی الی صراط مستقیم دینا قیما ملة ابراهیم وما کان من المشرکین» (انعام: 161). (84)

در جامعه جاهلی آن زمان، هنوز گروهی از اعراب معتقد به دین ابراهیم علیه السلام بودند و هنر استفاده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از واژه و مفهوم «حنیف» کارآمدترین راه برای ایجاد چنین پیوندی بود. آن حضرت اعلام می داشت: «جئت بالحنيفية دين ابراهيم».

پیامبر صلی الله علیه و آله با این سیاست فرهنگی، نه تنها محتوای دعوت خود را تا گستره یک پیشینه تاریخی و عقیدتی محکم و ماندگار (نزد اعراب) امتداد می بخشید، بلکه از آن امکان بالقوه، در مسیر تحقق و پویایی آرمان فکری مشترک نیز استفاده می کرد و با این همه، القای یک تصویر معقول و ممکن جلوه دادن ایجاد امت واحد نیز ره آورد دیگر سیاست وی بود.

به وجودآوردن شرایط تسهیل برای یک جامعه، که در امکان عقلی و امکان عملی، رسیدن به آرمان های مطلوب خود دچار دغدغه و تشویش خاطر نشود، یکی از وظایف مهم رهبران دوراندیش است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اقتدار تمام و انتخاب نیکوترین زمینه های هم گرایی - یعنی، دین حنیف ابراهیمی - این رسالت الهی را دنبال می کند: «ثم اوحینا الیک ان اتبع ملة ابراهیم حنیفا وما کان من المشرکین» (نحل: 123). (85)

این کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تکیه بر دین حنیف سهل و ساده نیز می تواند گویای همین بر نهاد باشد که فرمود: «بعثت بالحنيفية السهلة السمحة»

عظمت تلاش و سیاست های رسول الله صلی الله علیه و آله وقتی بیش تر آشکار می گردد که دریابیم همه این مسائل در محیطی دنبال شده که تقریباً لایه های اعتقادی جامعه از یکدیگر گسسته و هرگونه دوری از آداب و رسوم پیشینیان نوعی انحطاط، شکست فکری و نفی ارزش های گذشته قلمداد می شده است. قرآن کریم از این پای بندی نابجا به پندارهای پدران و اجداد، در برابر دعوت توحیدگرایی رسولان چنین یاد می کند: «قالت رسلهم افي الله شك فاطر السموات والارض يدعوكم ليغفر لكم من ذنوبكم ويؤخركم الى اجل مسمى قالوا ان انتم الا بشر مثلنا تريدون ان تصدونا عما كان يعبد آباؤنا فاتونا بسلطان مبين» (ابراهیم: 10). (86)

«وحدت همان چیزی است که در قرآن درباره آن سفارش شده است و ائمه، مسلمین را به این مساله دعوت کرده اند و اصلاً دعوت به اسلام، دعوت وحدت است. (87)

هویت واحد فرهنگی: یکی از ارزشمندترین راه بردهای انتخابی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسیر تحقق وحدت امت و ترسیم دورنمای امت واحد، تلاش برای ایجاد هویت واحد فرهنگی با مرزبندی اعتقادی است. مبارزه فکری با شرک و بت پرستی و تکیه بر توحید و وحدانیت باید با یک حرکت کارآمد دیگری به مرحله فرآهم آوری یک اجتماع فرهنگی - دینی برسد که نقطه آغازین آن، پیدایش هویت واحد فکری و اعتقادی است؛ آن گونه که افراد را در یک نظام فکری، به یکدیگر پیوند زند: «واعتصموا بالله هو مولیکم فنعم المولى ونعم النصير». (88)

این امر نیز با دعوت علنی رسول اکرم صلی الله علیه و آله در همان دوران ده ساله مکه شروع می شود. اولین مخاطبان آن حضرت، اقارب و عشیره نزدیک ایشان بودند: «وانذر عشیرتک الاقربین». (شعراء: 214). (89)

این دعوت به انگیزه ایجاد یک حلقه عقیدتی مشترک با صبغه توحیدی (بر اساس دعوت اسلام) انجام پذیرفت که همراهی با قرابت عشیره ای آن می توانست زیربنای نخستین هسته مرکزی هویت واحد فرهنگی را تداعی گر باشد و دقیقاً از همین رو، پیامبر صلی الله علیه و آله مامور به گشایش بال های رحمت الهی بر مؤمنان است؛ زیرا پس از کریمه پیش (آیه انذار) بلافاصله، می فرماید: «واخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین» (شعراء: 215). (90) اگرچه خاندان قریش استقبال چشمگیری از این هدایت و دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله نکردند، ولی باید در نظر داشت که:

اولاً، سیاست ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله به بهترین صورت، دارای چنین توان و امکانی بود. ثانیاً، با صبر و پی گیری و تداوم حرکت از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله چنین هسته ای فرهنگی در درون جامعه جاهلی (در طول زمان) تشکیل شد و پیکره اجتماع را با نوعی مرزبندی اعتقادی و ارزشی روبه رو کرد. و البته هدف از فرآیند هویت واحد فرهنگی در مراحل تولد و بلوغ خود، چیزی جز این نیست. بخشی از دستاوردهای این هویت مشترک، ترسیم آرمان های نهایی امت واحد بوده است.

به نقل برخی از مورخان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در انذار عشیره، به ایجاد نوعی مرزبندی در درون خاندان (نسبت به رسالت عام خود) اشاره داشتند؛ آنجا که فرمودند: «...والله الذی لا اله الا هو انی رسول الله الیکم خاصة والی الناس عامة» (91) پس از این، مرحله دیگری از دعوت آشکار را شاهد هستیم که یکی از اهداف آن در همین راستا قابل تحلیل است؛ یعنی، «فاصدع بما تؤمر واعرض عن المشرکین انا کفیناک المستهزئین». (92)

تلاش در ایجاد چنین نهاد و هویت واحدی را (در این مقطع دعوت)، کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خوبی آشکار می کند که فرمود: «یا معشر قریش ویا معشر العرب، ادعوکم الی عبادة الله (وحده) وخلق الانداد والاصنام وادعوکم الی شهادة ان لا اله الا الله وانی رسول الله» (93)

با نظری به دهه تاریخ ساز حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مکه، شواهد دیگری نیز دست یافتنی است:

نخست آن که کوشش برای ظهور چنین هویت مشترک فکری در مکه، زمینه ساز تشکیل حکومت در مدینه می گردد؛ چرا که بیش ترین هدف پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه، نیروسازی و تربیت اعتقادی افراد برای به وجودآوردن یک تجمع سیاسی و واگذاری مسؤولیت های بعدی بود. بنابراین، بعضی از تاریخ نویسان از این دوران، به دوره «فردسازی» تعبیر کرده اند.

نکته دیگر آن که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این دوره، مجاز به بهره بری از هرگونه اهرم نظامی و رزمی نبودند. سیاست پیامبر صلی الله علیه و آله در این مرحله، به صورت مطلق، عدم استفاده از قدرت و ساز و کار نظامی در برابر مشرکان و بت پرستان بود و به این ترتیب، اصحاب و یاران آن حضرت حتی حق دفاع در برابر آزار و شکنجه ها را نیز نداشتند: «فاصبر ان وعدالله حق ولا يستخفنك الذين لا يوقنون» (روم: 60) (94) انتخاب چنین شیوه ای، امکان ایجاد نوعی وفاق فکری و فرهنگی و نیاز به هویت مشترک اعتقادی را فراهم کرد که قطعا با برخوردهای عملی و صوری مستقیم بین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مشرکان، محیط و شرایط را برای جنگ و درگیری آماده می ساخت و در نتیجه، چنین فضایی، نمی توانست جوابگوی آن هدف باشد. این گونه درگیری ها نه فقط نیروهای تازه مسلمان را از حیث کمی نابود می ساخت، بلکه بابه هم زدن ثبات نسبی موجود، محیط قضاوت اجتماعی را نیز دستخوش شک و تردید می کرد و امکان پیوستن افراد جدید به هسته اولیه را کاهش می داد.

برخی متفکران از مساله عدم برخورد مسلحانه در دوره مکه، به عنوان ملاحظه شرایط خاص سیاسی توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یاد کرده و آن را در ردیف عوامل موفقیت و پیشرفت سریع نهضت اسلام، پس از ایمان قاطع، لیاقت و کاردانی پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر می کنند: «در طول سیزده سال که پیغمبر صلی الله علیه و آله در مکه بود - جز در یکی دو نوبت که آن هم یک دعوا و کتک کاری بیش نبوده است - هرگز برخورد مسلحانه ای میان مسلمان ها و غیر مسلمان ها رخ نداد ... پیغمبر صلی الله علیه و آله در تمام مدت آن سیزده سال که در مکه زندگی و دعوت به اسلام می کرد، شرایط سیاسی آن سیزده سال را کاملا رعایت کرد.» (95)

مواظبت و درایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این مساله تا بدانجا پیش رفت که حتی در سال سیزده بعثت، هنگامی که عده ای از مردم مدینه به بیعت با پیامبر صلی الله علیه و آله (در مکه) مبادرت ورزیدند و در فردای آن روز (در منی) اجازه آماده سازی و تجهیز نیرو، سلاح و شمشیرهای خود را از پیامبر صلی الله علیه و آله خواستند، آن حضرت در جواب فرمود: «من هنوز به این کار امر نشده ام!»

نقش وحیانی پیامبر صلی الله علیه و آله: تاثیر غیر بشری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با استفاده از وحی الهی نیز در بررسی راهبردهای فرهنگی نکته ای قابل توجه است. به عبارت دیگر، نقش قرآن مجید و نحوه به کارگیری آن توسط پیامبر صلی الله علیه و آله در ترسیم دورنمای مطلوب امت واحد کارآیی بسزایی داشته است و پیامبران: موظف به به کارگیری آیات الهی اند: «یا بنی آدم اما یاتینکم رسل منکم یقصون علیکم آیاتی فمن اتقی واصلح فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون» (اعراف: 35). (96) تکیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر قرآن و بهره گیری به جا و به موقع از آن به عنوان یکی از تدابیر سیاسی مخصوص آن حضرت برای ترسیم دورنمای مطلوب بوده است. تاکیداتی که قرآن در موضوع وحدت و به خصوص، اعتلای کلمه حق و دیانت اسلام دارد، بهترین درون مایه ها را در اختیار می گذارد که فرمود: «کان الناس امة واحدة» (بقره: 213) (97)

آنچه سیاست های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در این مورد سرعت و شدت بیش تری می بخشید، تاثیر جنبه اعجاز قرآن مجید بود. پیامبر صلی الله علیه و آله جز به وحی قرآنی سخن نمی گوید و محتوای نطق او نیز

باید با مهر وحی الوهی تایید گردد تا از هرگونه آمیزه دیگری، پاک و پیراسته بماند: «ما ينطق عن الهوى ان هو الا وحى يوحى علمه شديد القوى» (نجم: 3 - 5) (98) و چه زیبا، مثنوی «نی» را نماد انسان کامل دانسته که از هر لایه و رنگ خود بودن (منیت) تهی است و از این رو، محمل ندای اعجازبرانگیز وحی الهی:

«کیست نی؟ آن کس که گوید دم بدم من نیم جز موج دریای قدم از وجود خود چو نی گشتم تهی نیست از غیر خدایم آگهی چون که من من نیم، این دم زهوست پیش این دم، هرکه دم زد کافر اوست» (99)

بدین ترتیب، اعجاز قرآن به عنوان محتوای اصیل دعوت فرهنگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تاثیر حرکت آن حضرت را دوچندان می کند و در تحلیل تاثیر وحیانی پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به تبیین الگوی امت واحد، توجه به ابعاد فوق طبیعی خارق العاده حقیقت قرآن ضروری می نماید؛ حقیقتی که قرآن نیز خود بدان اشاره دارد: «والذی اوحینا الیک من الکتاب هو الحق» (فاطر: 31) (100) و هشداردهی به تمام مردم را به وسیله آن از پیامبر صلی الله علیه و آله می طلبد: «وکذلک اوحینا الیک قرآنا عربیا لتنذر ام القرى ومن حولها» (شوری: 7). (101) در این باره، مواردی چند در تاریخ اسلام به چشم می خورد که اگرچه به صورت استقلالی نمی توان آن ها را جزو سیاست های فرهنگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تحقق وحدت به حساب آورد، ولی یادآوری اجمالی آن ها نیز خالی از لطف نیست.

تاثیر اعجازگونه قرآن بر مردم یثرب یکی از آن هاست. در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پس از پیمان عقبه اولی، با تلاوت قرآن (برای مردم) توسط افرادی مانند مصعب بن عمیر، تغییر و تحول محیط اجتماعی آن زمان به سمت ایجاد یک وحدت سیاسی به پیش می رفت؛ آن گونه که مورخان و سیره نویسان نوشته اند: «فتحت المدينة بالقرآن» (102)

نسبت های ناروای سحر و ساحری که مشرکان و مخالفان در برابر تاثیر چشمگیر قرآن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می دادند و نیز عناد و لجاجت آن ها در این مورد، خود حاکی از میزان نفوذ و جلب قلوب و آراء مردم توسط محتوای قرآن و نیز ایجاد نوعی وحدت اعتقادی و سیاسی بر محور کلام الهی بود. چنین نسبت های نادرستی و شدت ترس و وحشت مشرکان، بهترین شاهد بر نقش اعجازآمیز قرآن در تجمع افکار و عقاید و وحدت بخشی آن ها بوده است؛ زیرا این کتاب از خدای عزیز حکیم سرچشمه می گیرد: «حم، تنزيل الکتاب من الله العزیز الحکیم» (جاثیه: 1 - 2). (103)

روش نشر دین: کیفیت ترویج دین و سیاست نشر و تبلیغ آن توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در جهت ایجاد امت واحد و همسو با آن بوده است: «قل هذه سبيلي ادعو الى الله على بصيرة انا ومن اتبعني» (یوسف: 108) (104)

از روش دعوت فکری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین برمی آید که آن حضرت، ظرفیت های روحی و ذهنی مردم را کاملاً مورد نظر داشته و محتوای دعوت خود را متناسب با همان بستر اجتماعی خاص قرار می داده است تا به این ترتیب، زمینه فراگیری پیام خود را به آحاد مردم فراهم کند و علاوه بر این، پایه گذار وحدت فرهنگی و سیاسی باشد.

بدین سان، شکی نیست که رعایت سیر تدریجی (در امر هدایت و رسالت) را باید در همین راستا تحلیل کرد. پای بندی به اصل «تدریج»، جامعه را دچار شقاق زودهنگام و تشتت درونی نمی سازد و وحدت نسبی پیشین را تا حدی حفظ خواهد کرد. بنابراین، راهی است تا بتوان شرایط به وجودآمدن وحدت فرهنگی و سیاسی مطلوب را فراهم کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با به کارگیری چنین سیاست فرهنگی، نه تنها به تدریج، دورنمای امت اسلامی آرمانی خود را تبیین می نمود، بلکه طریقی برای ایجاد وحدت دینی در جامعه اعراب آن زمان نیز به حساب می آمد.

سیاست تدریج در زمینه تبیین اعتقادات و نیز احکام و فروع دینی رعایت می شد به گونه ای که در دوران ده ساله مکه، اصول کلی جهان بینی مانند توحید، نبوت و معاد و سپس در مدینه، آیات احکام نازل گردید. قرآن کریم می فرماید: «وَقَرَأْنَا فِرْقَانَهُ لَتَقْرَاهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مَكَّةَ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا» (اسراء: 106). (105) رعایت مبنای تدریج نه فقط در القا و انتقال محتوای دعوت، بلکه شامل روش ها و کیفیت دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می شد. این مساله ما را به نکته دیگری درباره مشی سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله در نحوه اعلان رسالت الهی خود نیز رهنمون می سازد که به دلیل تناسب با بحث تدریج، در این قسمت ذکر گردیده است:

مرحله اول، دعوت سری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که قریب سه سال به طول انجامید. مرحله دوم، شامل دعوت عشیره و خاندان نزدیک بود.

مرحله سوم، دعوت عمومی و همگانی از اعراب مکه تا سایرین را در بر می گیرد.

مرحله چهارم، دعوت نهایی جامعه بشریت با ارسال نامه به سران کشورهای غیر عرب است.

با نگاهی گذرا، ولی تحلیلی، درمی یابیم که این گونه دعوت، نشان از نوعی مشی سیاسی ویژه در ایجاد توسعه وحدت سیاسی و فرهنگی دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این طریق، اولاً، آمادگی فکری هدایت شده ای را در افرادی که دعوت او را پذیرا شدند، ایجاد کرد. ثانیاً، مرکزیت سیاسی واحدی را پایه نهاد که در مواقع ضروری به حمایت از آن حضرت در جهت تحقق آرمان های الهی اش بپردازد (به خصوص که پیوند نسبی با قریش نیز اقتضای این موضوع را داشت).

در مرحله اول، با پذیرش و تولی افرادی معدود، نوعی وحدت در تعلقات و تمایلات نفسانی و نیز بینش و نگرش های مشترک به وجود آورد. سپس این وحدت آغازین در چارچوب نظام قبیله ای مستحکم شد و شاکله مرکزیت اولیه وحدت سیاسی و فرهنگی پی ریزی شد، پس از آن، هدف اصلی، عمومیت دادن و تسری شعاع پوششی این هسته مرکزی در سطح جامعه ای بزرگ تر بود و در نهایت، جهانی نمودن سیطره چنین وحدت سیاسی و فرهنگی. بنابراین، باید گفت هدف نهایی تدابیر حکیمانه و الهی پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله، ایجاد وحدت سیاسی، فرهنگی و سپس، تشکیل حکومت اسلامی و به دنبال آن، ایجاد حکومت جهانی اسلام بوده است.

پی نوشت ها :

1- «بگو راه و رسم من و پیروانم این است که خلق را با بینایی و بصیرت به سوی خداوند دعوت کنیم.»

2- « به راستی که برای شما و برای کسی که به خداوند و روز باز پسین امید [و ایمان] دارد و خداوند را بسیار یاد می کند، در پیامبر خدا سرمشق نیکویی هست.»

3- ابن منظور، لسان العرب، ماده «اسوه».

4- ر. ک. به: جوان و مشکلات فکری، قم، خرم، 1370، ص 20.

- 5- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ج 16، ص 451.
- استاد مطهری نیز در سیری در سیره نبوی پس از اشاره، به همین آیه کریمه و اینکه رفتارهای پیامبر صلی الله علیه و آله نیز مانند سخنان آن حضرت، دارای معانی و تفسیر است، آورده: «قرآن می گوید در وجود پیغمبر، اسوه و تاسی ای ست برای شما و وجود پیغمبر کانونی است که ما از آن کانون باید روش زندگی استخراج کنیم. پس همین طور که گفتار پیغمبر نیاز به تعمق و تفسیر سیر دارد، (رفتار او هم چنین است) ... رفتار پیغمبر ما آن قدر عمیق است که از جزئی ترین کار او می شود قوانین استخراج کرد ...». ر. ک. به: مرتضی مطهری، سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا، 1367، ص 44 - 46.
- 6- «هر کس از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت، از خداوند اطاعت کرده است، و هر کسی سرپیچد [بدان] که تو را نگهبان ایشان نفرستاده ایم.»
- 7- «ای پیامبر، ما تو را گواه و مژده رسان و هشداردهنده فرستاده ایم.»
- 8- «و همانا این امت شماست، امتی یگانه، و من پروردگار شما هستم. از من پروا کنید.»
- 9- «و از زاد و رود ما امتی فرمانبردار خویش پدید آور.»
- 10- علی شریعتی، امت و امامت به نقل از بولتن اندیشه 5 - 7 تهران، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، 1375، ص 142.
- 11- محمدعلی زکریایی، فلسفه و جامعه شناسی سیاسی، (قسمت دوم) تهران، الهام، 1373، ص 343.
- 12- بررسی تفاوت ها در مبانی و سایر آراء مرتبط با این مفهوم مربوط به مباحث خاص جامعه شناختی است. در این باره ر. ک. به: محمدجواد لاریجانی، نقد دینداری و مدرنیسم (مجموعه مقالات)، تهران، مؤسسه اطلاعات 1372، مقاله «جامعه دینی و مدرنیسم» / همو، حکومت، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، تهران، سروش، 1373-131 محمدجواد لاریجانی، همان، ص 120 - 121 و 144.
- 14- «هان ای مردم، همانا ما شما را از یک مرد و یک زن آفریده ایم و شما را به هیئت اقوام و قبایلی در آورده ایم تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید. بی گمان گرامی ترین شما در نزد خداوند پرهیزگارترین شماست. خداوند دانای آگاه است.»
- 15- «ما از خداییم و به سوی خدا باز می گردیم.»
- 16- «بدانید که با یاد خداست که دل ها آرام می گیرد.»
- 17- «و از جمله آیات او این است که برای شما از نوع خودتان، همسرانی آفرید که با آنان آرام گیرید و در میان شما، دوستی و مهربانی افکند.»
- 18- برای تفصیل این بحث، ر. ک. به: نگارنده «عرفان دینی» (جزوه درسی)، 1376.
- 19- علاءالدین هندی، کنزالعمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت، مؤسسة الرسالة، 1985 م، ج 1، ص 143 و 149، حدیث 694 و 695 و نیز ر. ک. به: حاج سیدجواد و دیگران، دایرة المعارف تشیع، تهران، سازمان دایرة المعارف تشیع، 1366، ج 2، ص 154.
- 20- عبدالمجید معادیخواه، فرهنگ آفتاب (فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه)، تهران، نشر ذره، 1372، ج 4، ص 1820.
- 21- محمدعلی زکریایی، همان، «جامعه ایده آل».
- 22- ر. ک. به: کریم زمانی جعفری، فرهنگ لغات نهج البلاغه، تهران، کیهان، 1367، ص 519 - 520.

- 23- هدایت الله ستوده، تاریخ اندیشه های اجتماعی در اسلام، تهران، آوای نور، 1374، ص 39.
- 24- شاید بتوان واژه «ملت» را در معنای متداول آن (نه آنگونه که در قرآن به معنای راه، روش و مکتب آمده) برابر با مفهوم «جامعه» نیز دانست. «ملت» را به یک واحد اجتماعی که دارای سابقه تاریخی واحد و قانون و حکومت واحد و با آمال و آرمان های مشترک نیز معنا کرده اند.
- 25- «و این امت شماسست که امتی یگانه است و من پروردگار شما هستم. پس مرا بپرستید.»
- 26- ر. ک. به: مجموعه سخنرانی ها و مقالات دومین کنفرانس وحدت اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، 1368، ص 94.
- 27- «و اگر پروردگارت می خواست مردم را امت یگانه ای قرار می داد، ولی همچنان اختلاف می ورزند، مگر کسانی که خداوند [بر آنان] رحمت آورد. و برای همین آنان را آفریده است.»
- 28- ر. ک. به: قرآن کریم، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، ص 235. ایشان در ذیل این آیه، توضیحات قابل توجهی آورده است، که مراجعه به آن خالی از لطف نیست.
- 29- صحیفه نور، ج 13، ص 163، سخنرانی 16/ 8/ 59، امام خمینی؛
- مقاله «همراه با وحدت اندیشان» در مجله تقریب، اعتقاد امام پیرامون این مساله را بیان می کند.
- 30- جلال الدین محمد مولی بلخی، دفتر چهارم، ابیان 408 - 418.
- 31- بعضی از نویسندگان نیز در یک نگاه جامعه شناختی، «امت» را چنین تعریف کرده اند: «امت عبارت است از جامعه انسانی از همه افرادی که در یک هدف مشترک اند تا براساس یک رهبری مشترک، به سوی ایده آل خویش حرکت کنند.» (بولتن اندیشه) شماره 5 - 7
- 32- ر. ک. به: دایرة المعارف تشیع، ج 2، ص 494، واژه «امت» قرآن کریم، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، ص 281.
- 33- آیات پیش از این کریمه نیز بسیار قابل توجه است؛ فرمود: او شما را برگزیده و برای شما در دینتان رنجی قرار نداده است؛ که آیین پدرتان ابراهیم است؛ همو که شما را از پیش مسلمان نامید و در این «کتاب» هم [مسلمان نامیده شده اید]، تا سرانجام، پیامبر گواه بر شما و شما گواه بر مردمان باشید. پس نماز برپا دارید و زکات بدهید و به خداوند پناه برید. او سرور شماسست، چه نیکو سروری و چه نیکو یآوری. (حج: 78)
- 34- «و همگی به ریسمان محکم الهی در آویزید و پراکنده نشوید.» مفسران در معنای «حبل الله»، دین اسلام، کتاب الله، و عهد الهی را بر شمرده اند. ر. ک. به: قرآن کریم، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، ص 63.
- 35- مجله تقریب، ش 8 - 9، ص 12.
- 36- این بعد آرمان خواهی در واژه «امت واحده» در دیدگاه برخی از نویسندگان دیگر نیز به صورت ضعیف تری، آمده است (ر. ک. به: محمدعلی زکریایی، همان، ص 343).
- 37- «[در آغاز] مردم امت یگانه ای بودند. آنگاه خداوند پیامبران مژده آور و هشدار دهنده برانگیخت و بر آنان به حق کتاب های آسمانی نازل کرد تا در هر آنچه اختلاف می ورزند، در میان مردم داوری کند.»
- 38- «مردم جز امتی واحده نبودند سپس اختلاف کردند.»
- 39- «برای هر یک از شما راه و روشی معین داشته ایم و اگر خداوند می خواست، شما را امت یگانه ای قرار می داد. ولی [چنین کرد] تا شما را در آنچه به شما بخشیده است، بیازماید. پس به انجام خیرات بشتابید. بازگشت همگی شما به سوی خداست.»

40- «و همگی به رشته الهی در آویزید و پراکنده نشوید و نعمت خداوند را بر خود یاد کنید که دشمنان همدیگر بودند و او میان دل های شما الفت انداخت و به نعمت او با یکدیگر دوست شدید و بر لبه پرتگاه آتش بودید و او شما را باز رهاند. خداوند بدین سان آیات خویش را برای شما به روشنی بیان می دارد تا هدایت گردید. همچنین ر. ک. به: حج: 78.

41- «در دین شما، هرآنچه به نوح سفارش کرده بود، مقرر داشت و نیز آنچه، تو وحی کرده ایم و آنچه به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کرده ایم، که دین را بر پا بدارید و در آن اختلاف نوزید.

42- «و همانند کسانی نباشید که پس از آنکه روشنگری ها فرا راهشان آمد، پراکنده شدند و اختلاف کردند. و اینان عذابی سهمگین [در پیش] دارند.»

43- «به راستی که پیامبرانمان را همراه با پدیده های روشنگر فرستادیم و همراه آنان کتاب آسمانی و میزان فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند، و آهن را فرود آوردیم که در آن [مایه] ستیز و صلابت و نیز سودهایی برای مردم است تا سرانجام، خداوند معلوم بدارد که چه کسی در نهان، او و پیامبران او را یاری می دهد. بی گمان خداوند نیرومند پیروزمند است.

44- از مرحوم علامه کاشف الغطا نقل شده است که: «بنی الاسلام علی کلمتین، کلمة التوحید و توحید الکلمة» (ر. ک. به: مجموعه سخنرانیها و مقالات دومین کنفرانس وحدت اسلامی، ص 95).

45- پیرامون بحث ولایت تاریخی نبی صلی الله علیه و آله نگاه کنید به: نگارنده، «ولایت و سرپرستی در نظام اسلامی»، مجله مشکوة، ش 51، ص 65

46- «و ما تو را جز مایه رحمت برای جهانیان نفرستادیم. بگو همین به من وحی می شود که خدای شما خدای یگانه است. پس آیا شما پذیرنده اید؟»

47- «بگو ای مردم، من پیامبر الهی به سوی همه شما هستم.»

48- «و تو را جز مژده آور و هشداردهنده برای همگی مردم نفرستاده ایم.»

برای تفسیر اجمالی این آیات ر. ک. به: عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن مجید، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، 1364، ج 2، ص 668.

49- «آن جز پندآموزی برای جهانیان نیست.»

50- ر. ک. به: بقره: 213، مجموعه سخنرانی ها و مقالات دومین کنفرانس وحدت اسلامی، ص 14 و 15.

51- محمدابراهیم، آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، دانشگاه تهران، 1366، ص 147.

52- «و ما می خواهیم که بر کسانی که در روی زمین به زبونی کشیده شده اند، منت نهیم (و نعمت دهیم) و ایشان را پیشوایان و وارثان گردانیم.»

53- علاءالدین هندی، همان، ج 7، ص 577.

54- دایرة المعارف تشیع، ج 2، ص 154.

55- محمدبن یعقوب کلینی، الاصول من الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1363، ج 1، ص 403، مرتضی مطهری، همان، ص 280.

56- «همانا سرور شما خداوند است و پیامبر او و مؤمنانی که ...»

57- بگو «...حکم جز به دست خداوند نیست که گویای حق و حقیقت و بهترین داوران است.»

58- «و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خداوند و پیامبرش امری را مقرر دارند، آنان در کارشان اختیار [و

چون و چرایی] باشد. و هر کس از [امر] خداوند و پیامبر او سرپیچی کند، در گمراهی آشکاری افتاده است». اگرچه مفسران عامه و خاصه این آیه را در مورد ازدواج زینت بنت جحش و زیدبن حارثه دانسته اند، ولی این منافاتی با اطلاق عمومی آیه ندارد.

59- در این باره ر. ک. به: مجله مشکوة، ش 51، ص 22.

60- «کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده اند و در راه خدا به مال و جان جهاد کرده اند، همچنین کسانی که ایشان را جا و پناه و یاری داده اند، اینان دوستان یکدیگرند. و کسانی که ایمان آورده اند، ولی هجرت نکرده اند، شما از دوستی [و تورات] آنان برخوردار نمی شوید، مگر آنکه هجرت کنند».

61- «و کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خداوند جهاد کرده اند و کسانی که ایشان را جا و پناه و یاری داده اند، اینانند که به راستی مؤمن اند. برای ایشان آمرزش [الهی] و روزی پاک مقرر است».

62- از میان خود دوازده نفر نقیب برگزینید تا مسؤول و مراقب باشند بدانچه در میان قومشان می گذرد. (محمدابراهیم آیتی، همان، ص 198).

63- محمدبن جریر طبری، تاریخ الامم والملوک، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1988 م، ج 3، ص 1210 / دایرة المعارف تشیع، ج 3، ص 584 (بیعت دوم عقبه)، / محمدابراهیم آیتی، همان، ص 179.

64- «و به راستی، در زبور، پس از تورات نوشته ایم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می برند».

65- «و او کسی است که شما را جانشینان (الهی) بر روی زمین برگماشت و بعضی را بر بعضی دیگر به درجاتی برتری داد تا شما را در آنچه بر شما بخشیده است بیازماید.» میبیدی می نویسد: این آیت، امت محمد صلی الله علیه و آله را تهنیت است و هم مدحت، و هم بشارت و تهنیت است به سزا و مدحت نیکو و بشارت تمام. خداوند خبر می دهد که شما امت محمد صلی الله علیه و آله وارثان زمین هستید و خلیفه های مردم و بهینه ذریه آدم و امت پیغمبری که مهینه خلق عالم ... و ببینید که ما در ازل، منشور کائنات، به نام امت محمد صلی الله علیه و آله ثبت و در زبور نوشتیم که وارث زمین بندگان شایسته من هستیم. (کشف الاسرار، ج 1، ص 318)

66- «دین خداپسند همانا اسلام است».

67- «یهودیان و مشرکان را دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان [مسلمانان] می یابی»

68- «این برائت خداوند و پیامبر اوست. از مشرکانی که با آنان پیمان بسته اید».

69- «و این اعلامی از سوی خداوند و پیامبر اوست به مردم در روز حج اکبر که [بدانند] خداوند و پیامبر او از مشرکان بری و بیزارند».

70- «و کسانی هستند که مسجد را دستاویز زیان رساندن و کفر و تفرقه اندازی بین مؤمنان و نیز کمینگاهی برای کسانی که پیش از آن با خداوند و پیامبر او به محاربه برخاسته بودند، ساختند.» ماجرای تاریخی مسجد ضرار را در تاریخ پیامبر اسلام، دکتر آیتی، ص 635، دنبال کنید.

71- جلال الدین محمد مولوی بلخی، همان، دفتر دوم، ابیات 3016-3017.

72- «بگو ای اهل کتاب، بیاوید بر سر سخنی که بین ما و شما یکسان است بایستیم که جز خداوند را نپرستیم و برای او هیچ گونه شریکی نیاوریم و هیچ کس از ما دیگری را به جای خداوند به خدایی برنگیرد».

73- ر. ک. به: محمدابراهیم آیتی، همان، ص 479 - 500.

74- او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاده است تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، هرچند مشرکان ناخوش داشته باشند.

- 75- درباره متن این نامه ها و مسائل مربوط به آنها ر. ک. به: محمدابراهیم آیتی، همان، ص 483 و 494.
- 76- «و در برابر آنان، هر نیرویی که می توانید از جمله نگاه داری اسبان، فراهم آورید تا به آن وسیله، دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید، همچنین دیگرانی را نیز غیر از آنان که شما ایشان را نمی شناسید و خداوند آنها را می شناسد.»
- 77- «ای پیامبر، مؤمنان را به جهاد برانگیز.»
- 78- «و با آنان کارزار کنید تا آنکه فتنه شرک باقی نماند و دین، همه اش خدایی باشد.» بهاءالدین خرمشاهی در ص 181 ترجمه خود خود از قرآن می نویسد: «شیخ طوسی، زمخشری، ابوالفتوح و بسیاری دیگر، فتنه رادراین جا به کفریاشکر معنا کرده اند که درقرآن سابقه هم دارد.»
- 79- [اینان] پیامبرانی مژده آور و هشداردهنده هستند تا پس از [فرستادن] پیامبران، مردم را بر خداوند حجتی نباشد و خداوند پیروزمند فرزانه است.»
- 80- «[مشرکان] به جای او، خدایانی را به پرستش گرفته اند که چیزی نیافریده اند و خود آفریده شده اند و برای خود اختیار زیان و سودی ندارند و اختیار میراندن و زنده داشتن و برانگیختن ندارند.»
- 81- «و اندیشه های ناسزاواری درباره خداوند داشتند که همچون پندارهای جاهلیت بود.»
- 82- ر. ک. به: مجموعه سخنرانیها و مقالات دومین کنفرانس وحدت اسلامی، ص 52.
- 83- «ای مردم به راستی برهانی از سوی پروردگارتان برای شما نازل شده است و برای شما نوری آشکار فرو فرستاده ایم.»
- 84- «بگو مرا پروردگارم به راهی است، که دین استوار و آیین پاک ابراهیم است - که هرگز از مشرکان نبود - رهنمایی کرده است.»
- 85- «سپس به تو وحی کردیم که از آیین ابراهیم پاکدین پیروی کن که از مشرکان نبود.»
- 86- «پیامبرانشان گفتند: آیا در خداوندی که پدید آورنده آسمان ها و زمین است، شکی هست که شما را می خواند که گناهانتان را بیامزد و شما را تا مهلتی معین واپس دارد؟ گفتند: شما جز انسان هایی همانند ما نیستند که می خواهید ما را از آنچه پدرانمان می پرستیده اند، باز دارید [اگر چنین نیست] پس برای ما برهانی آشکار بیاورید.»
- 87- صحیفه نور، ج 15، ص 282، سخنرانی 23/10/60، امام خمینی؛
- 88- ر. ک. به: حج: 78.
- 89- «و خاندان خویشاوندانت را هشدار ده.»
- 90- «و در برابر مؤمنانی که از تو پیروی می کنند، مهربان و فروتن باش.»
- 91- به نقل کامل ابن اثیر که این عبارت را پس از حمد و ثنای الهی و اعلام بیم و خطر عمومی حضرت محمد صلی الله علیه و آله در ماجرای انذار عشیره نقل می کند. درباره مسایل تاریخی این واقعه، همچنین ر. ک. به: محمدابراهیم آیتی، همان، ص 100 - 104.
- 92- «پس آنچه دستوریافته ای آشکار کن و از مشرکان روی بگردان. ما تو را از [شر] ریشخندکنندگان کفایت [و حمایت] می کنیم.» و نیز ر. ک. به: محمدابراهیم آیتی، همان، ص 104 - 108.
- 93- پیشین، ص 104، به نقل از: اعلام الوری، ص 49.
- 94- «شکیبایی پیشه کن و بدان که وعده الهی حق است و نامؤمنان تو را از راه به درنبرند.»

- 95- سیدمحمد بهشتی، محیط پیدایش اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلام، 1367، ص 144 - 145.
- 96- «ای فرزندان آدم، چون پیامبرانی از خودتان به سوی شما آمدند و آیات مرا بر شما خواندند [بدانید] کسانی که تقوا و صلاح پیشه کنند، نه بیمی بر آن هاست و نه اندوهگین شوند.
- 97- ر. ک. به: بقره: 213.
- 98- «و از سر هوای نفس سخن نمی گوید. آن جز وحیی نیست که بر او فرستاده می شود. [فرشته] نیرومند به او آموخته است.»
- 99- حسین الهی قمشه ای، گیرنده فیه ما فیه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1374، ص 104.
- 100- «و آنچه از کتاب [آسمانی] به توی وحی کرده ایم، حق است.»
- 101- «و بدین سان، قرآن عربی [شیوا] بر تو وحی کردیم تا [اهل] مکه و پیرامونیان آن را هشدار دهی.»
- 102- محمدابراهیم آیتی، همان، ص 183 - 187.
- 103- «حم، کتابی است فرو فرستاده از سوی خداوند پیروزمند فرزانه.» این آیه عینا در سوره زمر: 1 و احقاف: 2 آمده است.
- 104- ر. ک. به: یوسف: 108.
- 105- «و این قرآنی است که آن را بخش بخش فرو فرستاده و چنانکه باید و شاید نازل کرده ایم تا آن را به آهستگی و درنگ بر مردم بخوانی.»